

عضو پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف در گفت‌وگو با ایسکانیوز:

جذب هیئت علمی بر اساس شایستگی صورت نمی‌گیرد/ تمام افرادی که برای تحصیل از ایران خارج می‌شوند، نخبه نیستند

عضو پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف گفت: باید در کشور اکوسیستم نوآوری و فناوری وجود داشته باشد؛ در این صورت نیاز ما نامحدود خواهد بود و هر اندازه نیروی نوآور و فنآور جذب کنیم، باز هم ظرفیت جذب وجود خواهد داشت.

به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه ایسکانیوز، فرار مغزها عبارتی است که از دیرباز در ادبیات آموزش عالی و حتی مردم رخنه کرده و ذهنیتی منفی از ایران در حفظ ظرفیت بالای تحصیل‌کردگان به نمایش گذاشته است. مهاجرت نخبگان، یکی از دغدغه‌های اصلی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری بوده و ۲ متولی حوزه علمی و فناوری در کشور تلاش کرده‌اند حداقل بخشی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مهاجرت کرده را به ایران بازگردانند.

در جدیدترین اقدام، وزیر علوم در نامه‌ای به رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری بر تسهیل فرایند جذب نخبگان تأکید کرده؛ اما از یک سو دغدغه اشتغال فارغ‌التحصیلان داخلی و از طرف دیگر جایابی شغلی برای تحصیل‌کردگان بازگشته خارج از کشور به یکی از چالش‌های حوزه علم و فناوری کشور تبدیل شده است.

بهرام صلواتی عضو پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف و مدیر رصدخانه مهاجرت ایران در گفت‌وگو با ایسکانیوز، ابعاد مختلف جذب نخبگان را بررسی و البته از تفاوت‌ها میان تعریف نخبه با تحصیل‌کرده صحبت کرد. نتیجه گفت‌وگو با مدیر برنامه پژوهشی مهاجرت در پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف را در ادامه می‌خوانید:

* وزیر علوم ۹ تیرماه در مصاحبه‌ای از آغاز فرایند جذب و نگهداری نخبگان ایرانی تحصیل‌کرده در خارج، در حال تحصیل یا مقیم خبر داد. منصور غلامی ۱۵ تیرماه نیز در نامه‌ای به رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری بر جذب حداکثری نخبگان تأکید کرد. به نظر شما برنامه مورد نظر وزیر علوم تا چه حد قابل اجراست؟

پیش از هر چیز لازم به یادآوری است که معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، برنامه تسهیل بازگشت نخبگان ایرانی را از سال ۹۴ آغاز کرد تا فرایند جذب متخصصان ایرانی بعد از بازگشت به کشور، به عنوان هیئت علمی در دانشگاه تسهیل شود یا آن‌ها در عرصه کسب و کار مشغول به فعالیت شوند. جای خوشحالی دارد که عالی‌ترین مقام آموزش عالی کشور درباره موضوع بازگشت نخبگان، اظهار نظر جدی و رسمی کرده ولی مسئله اصلی این است که پروسه اعزام دانشجویان به خارج و بازگشت مجدد فارغ‌التحصیلان ایرانی به داخل همچنان هدفمند نیست.

ما در پروسه بازگشت نخبگان، سیاست مدون و برنامه مشخصی نداشته و نداریم. در حال حاضر طبق آمار رسمی بیش از ۵۳ هزار دانشجوی ایرانی در حال تحصیل خارج از کشور هستند؛ این آمار تجمعی است و ما دقیقاً نمی‌دانیم چه تعدادی از آن‌ها سالانه فارغ‌التحصیل می‌شوند، چه تعداد پس از فارغ‌التحصیلی در خارج از کشور ماندگار شده و چه تعدادی قصد بازگشت دارند. توزیع دانشجویان

ایرانی ساکن خارج از ایران در کشورهای میزبان نیز متنوع است. همچنین بیشترین تعداد دانشجویان ما در آمریکا تحصیل می‌کنند و نزدیک به ۱۲ هزار و ۷۰۰ دانشجو در این کشور حضور دارند. رتبه‌های بعدی در اختیار کانادا و ترکیه است و این سه کشور مقصد اصلی دانشجویان ما محسوب می‌شوند.

در پروسه بازگشت نخبگان، سیاست مدون و برنامه مشخصی نداشته و نداریم. در حال حاضر طبق آمار رسمی بیش از ۵۳ هزار دانشجوی ایرانی در حال تحصیل خارج از کشور هستند؛ این آمار تجمعی است و ما دقیقاً نمی‌دانیم چند تعداد از آن‌ها سالانه فارغ‌التحصیل می‌شوند، چه تعداد پس از فارغ‌التحصیلی در خارج از کشور ماندگار شده و چه تعدادی قصد بازگشت دارند

* چرا پیش از این برنامه مشخصی برای بازگشت و جذب دانشجویان و فارغ‌التحصیلان خارج از کشور اجرایی نشده بود؟

اجازه بدهید از مثالی بین‌المللی استفاده کنم. چین و هند از جمله کشورهای دانشجویپرست در دنیا محسوب می‌شوند. این ۲ کشور هم برای پروسه اعزام دانشجو و هم برای بازگشت فارغ‌التحصیلان، برنامه مشخصی دارند، درحالی که ما در کشور در هر ۲ حوزه، خلاً اساسی داریم. البته پیش‌تر در ایران برنامه‌هایی برای اعزام دانشجو به صورت محدود انجام شده ولی چون تعداد اعزام‌ها به نسبت تعداد کل دانشجویهای ما در خارج از کشور، درصد پایینی داشته؛ بنابراین نمی‌توان آن را به عنوان یک برنامه اصلی و هدفمند در نظر گرفت. اگر ما ۱۰ هزار دانشجو در خارج از کشور داشته باشیم و به طور مثال ۸ هزار نفر از این تعداد را متناسب با نیازها و برنامه‌های خود اعزام کنیم، می‌توان آن را برنامه اعزام دانشجو نامید؛ اما تقریباً اعداد ما شرایط معکوسی دارند و ۱۰ درصد از کل دانشجویان ما به شکل اعزام هدفمند راهی کشورهای دیگر شده‌اند؛ پس اول از همه باید بر جریان خروجی تمرکز کنیم.

* یعنی حدود ۹۰ درصد از افراد با تصمیم شخصی و به شکل خودخواسته برای ادامه تحصیل به خارج سفر می‌کنند؟

به درستی به کلمه خودخواسته اشاره کردید؛ چون بحث اصلی ما این است که اکثر دانشجویان به صورت خودکار و خودجوش برای ادامه تحصیل به خارج سفر می‌کنند. حجم قابل توجهی از دانشجویانی که به خارج می‌روند، رشته‌های خود را متناسب با انگیزه‌های شخصی و فعالیت‌های فردی انتخاب می‌کنند. در پروسه بازگشت نیز این فرایند با همان روند خودکار انجام می‌شود. برای نخستین بار در ۴۰ سال گذشته، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برنامه منسجمی را از سال ۹۴ آغاز و تسهیلاتی را برای متخصصان بازگشتی به کشور فراهم کرده است.

مهم‌ترین معضل در وزارت علوم، فرایند شناسایی و ارزیابی مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان است

* یکی از مشکلات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان خارج از کشور بعد از بازگشت، بوروکراسی خسته‌کننده است. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، تمهیدی برای حل این مشکل اندیشیده است؟

متخصصان بازگشته به کشور به‌ویژه فارغ‌التحصیلان در مقاطع تحصیلات تکمیلی و حتی کارآفرینان، نوآوران و افرادی که حرفه آن‌ها برای داخل کشور اهمیت دارد، در بدو ورود به کشور دچار معضلاتی هستند. مثلاً مهم‌ترین معضل در وزارت علوم، فرایند شناسایی و ارزیابی مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان بوده که معمولاً یک فرایند زمان‌بر است. البته لازم به ذکر است وزارت علوم پیگیری‌های لازم را

انجام داده تا فرایند ارزشیابی مدارک بسیار کوتاه شود و این اتفاق تا حد زیادی افتاده است. در وهله اول ارزشیابی مدارک حداقل نزدیک به ۸ تا ۹ ماه زمان می‌برد؛ اما حالا در کمتر از ۳ ماه انجام می‌شود.

همچنین فرایند جذب هیئت علمی برای افرادی که خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، به طور میانگین یک سال و نیم طول می‌کشد و بسیار پیچیده و زمان‌بر است. یک فارغ‌التحصیل که به صورت خودجوش از خارج برگشته و دوست دارد به کشورش کمک کند، در این یک سال و نیم باید چه کاری انجام دهد؟ او در یک حوزه خاص مثل نانو، بیو یا رشته‌ای تخصصی فارغ‌التحصیل شده اما چگونه باید امرار معاش کند؟ بر همین اساس، نکته‌بینی درستی انجام شد و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری طرح پسادکتری را برای فارغ‌التحصیلان دکتری بازگشته به ایران طراحی کرد. بودجه این طرح را معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تأمین کرده و دانشگاه‌ها باید از ظرفیت متخصصان بازگشتی استفاده کنند.

فرایند جذب هیئت علمی برای افرادی که خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، به طور میانگین یک سال و نیم طول می‌کشد و بسیار پیچیده و زمان‌بر است. یک فارغ‌التحصیل که به صورت خودجوش از خارج برگشته و دوست دارد به کشورش کمک کند، در این یک سال و نیم باید چه کاری انجام دهد؟ او در یک حوزه خاص مثل نانو، بیو یا رشته‌ای تخصصی فارغ‌التحصیل شده اما چگونه باید امرار معاش کند؟

البته نباید در این میان دچار اشتباه شویم؛ طرح ارائه شده به معنای بازگشت نیست، بلکه برنامه تسهیل و کمک به ادغام متخصصان بازگشته به کشور است. افراد در یک برهه زمانی یک تا ۲ ساله بعد از بازگشت به کشور، نیاز به حمایت جهت شبکه‌سازی و طی مراحل جذب و ارزشیابی مدارک خود دارند. برنامه تسهیل بازگشت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برای پر کردن این بازه زمانی است.

* عملکرد معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در اجرای این طرح، موفقیت‌آمیز قلمداد می‌شود؟

آمار به دست آمده در این زمینه اگر بی‌نظیر نباشد، حداقل بین کشورهای در حال توسعه کم‌نظیر است. هزار و ۲۰۰ نفر از متخصصان بازگشتی در طول سه سال و نیم گذشته از تسهیلات برنامه بازگشت نخبگان و متخصصان ایرانی خارج از کشور معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری استفاده کرده‌اند که بیشتر آن‌ها از دانشگاه‌های برتر دنیا فارغ‌التحصیل شده‌اند و در حال حاضر به ایران برگشته‌اند. در حال حاضر فیلتر بهره‌برداری متخصصان بازگشتی این است که از صد دانشگاه برتر دنیا فارغ‌التحصیل شده باشند.

* فارغ‌التحصیلان بسیاری در رشته‌هایی تحصیل کرده‌اند که در سیستم آموزش عالی ایران تعریف نشده است. برای این افراد چه باید کرد تا به بازگشت، دلگرم شوند؟

علم روز دنیا به‌ویژه حوزه‌های بین رشته‌ای دائماً در حال تغییر است. سیستم آموزش عالی ما بسیار لخت مانده و حتی مدت‌هاست در برخی موارد به‌روز نشده است؛ به همین دلیل مشکلاتی در ارزشیابی و عنوان‌گذاری مدارک تحصیلی وجود دارد. دانشگاه‌ها و در مجموع سیستم آموزش عالی، حوزه‌های بین رشته‌ای را به خوبی شناسایی نمی‌کند.

بخش مهم‌تر و کلیدی‌تر، مربوط به زمانی است که تصمیم به جذب فارغ‌التحصیلان بازگشته از خارج کشور داریم. خودم را مثال می‌زنم؛ نام رشته من اقتصاد اجتماعی و مطالعات بازار کار است که از دانشگاه میلان ایتالیا و مانهایم آلمان فارغ‌التحصیل شده‌ام. در هیچ یک از دپارتمان‌های دانشگاه‌های ایران، چنین رشته‌ای وجود ندارد، در حالی که به نظر می‌رسد در کشور نیاز مبرمی نسبت به این رشته احساس می‌شود. وقتی به دپارتمان اقتصاد در دانشگاه‌های ایران می‌روم، پاسخ می‌شنوم: شما اقتصاد نخوانده‌اید و رشته شما مربوط به حوزه

جامعه‌شناسی است. در دپارتمان اجتماعی، رشته‌ام را اقتصاد می‌دانند! دپارتمان مدیریت و حقوق نیز جواب مشابهی می‌دهند. در خارج از کشور چنین رشته‌ای دقیقاً بین سه دپارتمان اقتصاد، علوم سیاسی و علوم اجتماعی قرار دارد. در همین راستا افرادی که در خارج از کشور درس می‌خوانند، زمینه جذب آن‌ها به دلایل محتوایی ذکر شده وجود ندارد.

رقابت تنگاتنگی برای فرصت‌های آکادمیک محدود داخل ایجاد شده است

* چرا سیستم آموزش عالی برای ایجاد توازن در بازار کار، نیازسنجی نکرده و ظرفیت جذب دانشجویان را بدون برنامه افزایش می‌دهد؟

چند روز پیش در حال تحلیل نموداری برای تهیه یک گزارش بودم، تعداد دانشجویان دکتری در داخل کشور رشد روزافزونی داشته و سیستم آموزش عالی کشور به هر دلیلی ظرفیت‌های تحصیلات تکمیلی به‌ویژه مقطع دکتری را افزایش داده است؛ پس ما بدون در نظر گرفتن تقاضا، به یکباره عرضه دانشجویان دکتری را در داخل کشور چندین برابر بالا برده‌ایم. همچنین علاوه بر دانشجویان فارغ‌التحصیل تحصیلات تکمیلی در داخل، فارغ‌التحصیلان مقاطع تحصیلات تکمیلی خارج از کشور هم به طرف عرضه اضافه شده و به همین دلیل رقابت بسیار شدید و تنگاتنگی برای فرصت‌های آکادمیک محدود داخل ایجاد شده است.

در طول سال، ۲ فراخوان جذب در شهریور و بهمن برای جذب هیئت علمی اعلام می‌شود؛ در حالی که تمام ظرفیت به چند صد نفر هم نمی‌رسد؛ اما هر سال چند هزار نفر برای جذب اقدام می‌کنند. به زودی زود همین چند صد ظرفیت آموزش عالی نیز تکمیل خواهد شد. علاوه بر آن من به سیستم جذب هیئت علمی در آموزش عالی انتقاد دارم؛ زیرا چندان روشن و شفاف نیست و جذب‌ها چندان بر اساس شایستگی صورت نمی‌گیرد.

* عده‌ای از باندبازی و مافیای در سیستم جذب هیئت علمی صحبت می‌کنند. آیا چنین پدیده‌ای در جامعه علمی دیده می‌شود؟

تصور ما از معیار جذب هیئت علمی، سوابق و شایستگی‌های علمی و پژوهشی است؛ اما وقتی بررسی بیشتری انجام می‌دهید، متوجه می‌شوید سیستم جذب چندان شفاف نیست و از سوی دیگر دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها، اولویت را برای فارغ‌التحصیلان و افراد مورد نظر استادان خود قائل هستند و در برخی از موارد اصلاً به فارغ‌التحصیلان خارج از کشور اهمیتی نمی‌دهند؛ به‌ویژه افرادی که به تازگی به داخل کشور برگشته‌اند و شبکه و شناخت چندان کافی از سیستم داخل ندارند.

هر زمان هم قرار است به فارغ‌التحصیلان خارج از کشور توجه شود، سریعاً واکنش نشان می‌دهند و با طعنه می‌گویند: شما برای فارغ‌التحصیلان خارج از کشور فرش قرمز پهن کرده و جوانان را به تحصیل در خارج، ترغیب می‌کنید. در حالی که به نظر من نباید به موضوع بازگشت تحصیل‌کردگان خارج از کشور چنین نگاه کرد.

گاهی می‌بینیم فرد متقاضی جذب هیئت علمی که در داخل کشور فارغ‌التحصیل شده، صدها مقاله منتشر شده دارد؛ اما فارغ‌التحصیلی که از خارج برگشته تعداد محدودی مقاله منتشر شده یا در حال تکمیل و انتشار دارد و به همین دلیل واهی، امکان جذب در هیئت علمی داخل کشور را از دست می‌دهد

مسئله دیگر این است که ما دچار نوعی کمی شدن مبتذل در حوزه آکادمیک شده‌ایم. به طور مثال معیار را روی انتشارات مقاله می‌گذارند و در نتیجه می‌بینیم برخی از متقاضیان جذب هیئت علمی، چندین مقاله و چند ده مقاله داخلی منتشره خود را داخل رزومه می‌گذارند. خوب است که افراد بر اساس انتشارات خود ارزیابی شوند ولی حداقل برای افرادی که می‌خواهند جذب هیئت علمی شوند، کیفیت مقالات و پژوهش‌ها را در نظر بگیرند. انتشار در بعضی رشته‌ها به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی در خارج از کشور به شدت سخت بوده و استانداردهای بالایی دارد. گاهی می‌بینیم فرد متقاضی جذب هیئت علمی که در داخل کشور فارغ التحصیل شده، صدها مقاله منتشر شده دارد؛ اما فارغ‌التحصیلی که از خارج برگشته تعداد محدودی مقاله منتشر شده یا در حال تکمیل و انتشار دارد و به همین دلیل واهی، امکان جذب در هیئت علمی داخل کشور را از دست می‌دهد.

* به نظر می‌رسد حتی مسئولان آموزش عالی هم گاهی تمایزی میان مفهوم نخبه و تحصیل کرده در خارج قائل نمی‌شوند. اصلاً فرایند مشخصی برای شناسایی نخبگان وجود دارد؟

بنیاد ملی نخبگان، معیارهایی مشخص کرده و کسب رتبه برتر کنکور یا دریافت جوایزی مانند جشنواره بین‌المللی خوارزمی را برای تعریف نخبگی مصوب کرده است؛ اما آمار موجود قابل بسط به کل نیست. اگر امکان رصد تمام دانشجویان خارج از کشور وجود داشت، نتایج قابل استنادی به دست می‌آمد. بر همین اساس، تمام افرادی که برای تحصیل از ایران خارج می‌شوند، نخبه نیستند و الزاماً نیز همه نخبه‌های ایران از کشور مهاجرت نکرده‌اند.

یکی از مشخصات نخبگی این است که بتواند فرصت‌ها را چه در داخل و چه در خارج از کشور به خوبی شناسایی کند. در داخل کشور علی‌رغم سختی‌ها و مشکلات، فرصت‌های خوبی نیز فراهم است. در حال حاضر بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان داخل کشور، صرفاً به دنبال ادامه تحصیل در خارج نیستند و به سراغ استارت‌آپ و حرکت در فضای فناوری و نوآوری در داخل کشور رفته‌اند؛ زیرا ایران از این منظر، فرصت‌های بسیار قابل توجهی دارد.

بازارهای کار جهانی برای جذب نیروهای تحصیل کرده با معضل جدی روبرو هستند

* در حال حاضر کفه ترازو به نفع افرادی سنگینی می‌کند که برای ادامه تحصیل، قصد خروج از کشور را دارند یا آمار خروج نخبگان سیری نزولی داشته است؟

فرایند رفت و برگشت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به کشور، خودکار است. طبیعتاً در برخی برهه‌ها، جریان خروجی از ورودی بیشتر می‌شود. به طور مثال وقتی شرایط اقتصادی سخت است و بحران بیکاری شدت می‌گیرد، طبیعی است جریان خروجی به ورودی بچربد. در دوره اول تحریم‌ها، اوضاع اقتصادی دشوار شد؛ اما با این وجود نوسانات ارز به حدی نبود که ادامه تحصیل در خارج از کشور خیلی سخت باشد و ما شاهد خروج دانشجویان بیشتر از ورود و بازگشت بودیم. در چنین شرایطی اقتصاد در دوره پس‌ابرجام رونق گرفت و امیدواری افزایش یافت؛ به همین دلیل جریان بازگشت و ورود دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به کشور شدت گرفت.

در فرایند خروج دانشجویان و فارغ‌التحصیلان هم مثل چرخه کسب و کار () دوره‌های رفت و برگشتی وجود دارد. اکنون شرایط اقتصادی بار دیگر سخت و بازار کار برای فارغ‌التحصیلان به‌ویژه بازار کار آکادمیک در ایران محدودتر شده است. البته این اتفاق محدود به کشور ما نیست. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی دنیا برای جذب اعضای هیئت علمی و به طور کلی بازارهای کار جهانی برای جذب نیروهای تحصیل کرده با معضل جدی روبرو هستند؛ به همین دلیل با پدیده () مواجه شده‌ایم. افراد در پیدا کردن شغلی متناسب با

تحصیلات خود، مشکل دارند؛ یعنی به طور مثال الزاماً یافتن شغل برای فردی با مدرک دکتری سخت شده است.

* یعنی فارغ‌التحصیلان کشورهای توسعه‌یافته هم با معضل اشتغال روبرو هستند؟

پیدا کردن شغل‌های آکادمیک در کشور ما نیز هم‌راستا با سایر کشورهای دنیا، روز به روز سخت‌تر خواهد شد و هیچ شکی در این زمینه وجود ندارد؛ چون عرضه و تقاضا با یکدیگر تناسب ندارند. از سوی دیگر شرایط اقتصادی به واسطه تشدید تحریم‌ها سخت‌تر شده و ما قاعدتاً باید شاهد خروج بیشتر دانشجویان نسبت به بازگشت فارغ‌التحصیلان باشیم؛ اما افزایش قیمت ارز سبب شده بسیاری از دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور را داشتند، از عهده مخارج تحصیل بیرون از ایران برنیایند و خانواده‌ها نیز نتوانند هزینه تحصیل فرزندان خود را تأمین کنند. در واقع افزایش قیمت ارز، خروج افراد با نیت تحصیلی را تعدیل کرده و برخلاف دوره اول تحریم‌ها، در این دوره روند متفاوتی از خروج دانشجویان اتفاق می‌افتد.

فرایند رفت و برگشت هوشمند یا کنترل شده نیست

* چه راهکاری می‌توان ارائه داد تا آمار خروج افراد از کشور، کاهش پیدا کند؟

همان‌طور که گفتیم در کشور فرایند رفت و برگشت بیشتر به شکل خودکار انجام می‌شود و خیلی هوشمند یا کنترل شده نیست. از طرفی وقتی تصمیم به ارائه تسهیلات بازگشت می‌گیریم، از آن طرف می‌توانیم یارانه‌های ماندن را در نظر بگیریم یا پیش‌بینی‌هایی برای کاهش خروج انجام دهیم. به طور مثال افزایش عوارض خروج از کشور به صورت پلکانی باعث شده جابه‌جایی و حتی خروج‌های توریستی از کشور ما کاهش پیدا کند. منظوری از این جمله، نقش و میزان اثرگذاری یک موضوع همانند عوارض در میزان جابه‌جایی‌ها در کشور است. ببینید مهاجرت بخش کوچکی از فرایند بزرگ جابه‌جایی () است و به همین منظور ورود و خروج به یک کشور می‌تواند مجاری توریستی، تجاری، تحصیلی یا خانوادگی داشته باشد.

سفرهای ایرانیان خارج از کشور به داخل به‌منظور دیدار خانواده یا حتی ملاقات پدران و مادران ایرانی با فرزندان خود در خارج از کشور، در قالب جابه‌جایی فامیلی اتفاق می‌افتد، نه مهاجرت؛ محدودیت‌های ویزا یا افزایش نرخ ارز و حتی عوارض باعث شده این نوع جابه‌جایی‌ها کاهش یابد؛ بنابراین وقتی تسهیلات بازگشت می‌تواند باعث افزایش نرخ بازگشت شود، گاهی نیز محدودیت‌ها می‌تواند عامل ماندگاری یا کاهش جابه‌جایی باشد. پس باید حواس‌مان باشد در فرایند کلان جابه‌جایی، کدام بخش‌ها به‌صورت خودکار عمل کرده و کدام قسمت‌ها تحت تأثیر سیاست‌ها و برنامه‌های ما تغییر می‌کنند و تنظیم می‌شوند. چنانچه به دنبال افزایش نرخ ماندگاری و کاهش خروج از کشور هستیم، باید فضای امیدواری در کشور افزایش پیدا کرده، شرایط و جذابیت اقتصادی کشور بهبود یابد و در عین حال آرامش و امنیت روانی بیشتری در فضای کشور حاکم شود.

افزایش قیمت ارز سبب شده بسیاری از دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور را داشتند، از عهده مخارج تحصیل بیرون از ایران برنیایند و خانواده‌ها نیز نتوانند هزینه تحصیل فرزندان خود را تأمین کنند. در واقع افزایش قیمت ارز، خروج افراد با نیت تحصیلی را تعدیل کرده و برخلاف دوره اول تحریم‌ها، در این دوره روند متفاوتی از خروج دانشجویان اتفاق می‌افتد

* وقتی آمار خروج افراد به قصد ادامه تحصیل کاهش یابد، طبیعتاً بازار کار دچار بحران بزرگ‌تری خواهد شد؛ چون جمعیتی که قرار بود مهاجرت کند، به طیف عظیم جویندگان کار داخلی اضافه می‌شود. کشور توانایی نگاهداشت این جمعیت جویای شغلی را دارد؟

باید با جریان مهارتی و اشتغال دنیا هم‌راستا و هم‌گام شویم؛ زیرا اقتصاد جهانی به سمتی می‌رود که شاخصه‌های مهارتی با قابلیت یادگیری و به‌روزرسانی دائمی در اولویت قرار می‌گیرد. بیشتر برنامه‌های ما از جنس طرح‌های ضربتی و اشتغال محدود و مقطعی به‌ویژه برای افراد تحصیل‌کرده است. پول می‌پاشیم و شغل‌های محدودی ایجاد می‌کنیم تا افراد به شکل مختصر و محدود مشغول شوند؛ اما باید اشتغال پایدار ایجاد کنیم.

* چگونه می‌توان اشتغال پایدار کرد؟

دنیا استراتژی مهارتی را به جای طرح‌های ضربتی اشتغال دنبال می‌کند. به طور مثال پیش‌بینی می‌کند ظرف ۵ تا ۱۰ سال آینده به کدام مهارت‌ها همگام با تحولات نوآوری و فناوری جهانی نیاز است و به کدام رشته‌های دانشگاهی نیازی ندارند؛ چون مهارت‌های مذکور به‌روزرسانی نشده‌اند. یکی از دلایل خالی شدن صندلی‌های دانشگاه‌ها در کشور این است که در بازار کار به‌ویژه صنعت به این رشته‌ها احتیاجی نیست. مسئله این نیست که افراد برای ادامه تحصیل به خارج می‌روند، چالش اینجاست که اساساً ظرفیت اقتصاد ایران برای جذب نیروهای تحصیل‌کرده نیز در بخش خدمات و هم در سایر قسمت‌ها بسیار کم است. بنا بر نظر برخی از کارشناسان، ظرفیت بهره‌گیری اقتصاد کشور از قشر تحصیل‌کرده، کمتر از ۴۰ درصد است.

* وزیر علوم به صورت شفاف، ظرفیت‌های شغلی برای نخبگان و تحصیل‌کردگان خارج از کشور بعد از بازگشت را مشخص نکرده و صرفاً از جذب در هیئت علمی صحبت کرده است. یعنی الزاماً تمام تحصیل‌کردگان پس از ورود به ایران باید استاد دانشگاه شوند؟

به نکته بسیار خوبی اشاره کردید؛ به هیچ عنوان نباید تمام نخبگان و تحصیل‌کردگان خارج از کشور را استاد دانشگاه تصور کرد. اگر بخواهیم دانشجویان ایرانی خارج از کشور را جذب کنیم؛ پس بازار کار ما باید ظرفیت لازم را داشته باشد. برای مثال، چین و روسیه در گذشته دانشجویان زیادی به خارج اعزام می‌کردند ولی در سال‌های اخیر علاوه بر بازگشت فارغ‌التحصیلان خود به کشور، دانشجویان بین‌المللی را نیز جذب می‌کنند. چین و روسیه که جزو کشورهای دانشجویپرست هستند و در نگاه اول به نظر می‌رسد بازار کار، اشباع شده‌ای دارند؛ اما اکنون علاوه بر اعزام، دانشجویهای دیگر کشورها را جذب می‌کنند. هدف آن‌ها فقط آموزش دانشجویان خارجی نیست؛ بلکه قصد جذب آن‌ها در بازار کار خود را دارند. در واقع هم ظرفیت‌های جذب فارغ‌التحصیلان خود و هم دانشجویان دیگر کشورها را توأمان فراهم کرده‌اند.

باید اکوسیستم نوآوری و فناوری داشته باشیم

* کشورهای مثل چین و روسیه چگونه ظرفیت جذب نیروی کار خارجی در بازار داخلی را ایجاد کردند؟

اتکای چین و روسیه به اکوسیستم نوآوری و فناوری و فضای استارت‌آپی است. کشورهای خارجی از نظام‌های سنتی و طرح‌های ضربتی اشتغال به تربیت و پرورش نیروهای خلاق، فنآور و نوآور و در ادامه جذب آن‌ها روی آورده‌اند. هیچ‌گاه نمی‌توانیم تمام فارغ‌التحصیلان ایرانی خارج از کشور را برگردانیم؛ بلکه باید درصد مورد نیاز را جذب کرده و بقیه نوآوران و فناوران را از سایر کشورها به ایران بیاوریم. ما باید اکوسیستم نوآوری و فناوری داشته باشیم؛ در این صورت نیاز ما نامحدود خواهد بود و هر اندازه نوآور و فنآور جذب کنیم، باز هم

ظرفیت خواهیم داشت؛ زیرا بازار دائماً در حال به‌روزرسانی است.

* انتظار بسیاری از فارغ‌التحصیلان خارج از کشور بعد از بازگشت به ایران، تصدی پستی سازمانی و دولتی است. اگر اکوسیستم نوآوری در کشور شکل بگیرد، وزارت علوم و معاونت علمی و فناوری هم دیگر نگران ایجاد ظرفیت شغلی نخواهند بود؟

در واقع اگر دولت تصمیم دارد اشتغال پایدار در کشور ایجاد کند، باید تا حد ممکن از تصدی‌گری کم کرده و بیشتر به سمت تسهیل‌گری و تنظیم‌گری حرکت کند؛ چرا که در این حالت با از رده خارج شدن یک نیاز مقطعی یا تکنولوژی کهنه و بسته شدن یک اداره؛ برای مثال دانشگاه یا کارخانه دولتی، بحران برای دولت پیش نیامده و نیازی نیست دولت به هر شکلی که شده مجبور به حفظ کارمندان و کارگران غیرکارآمد خود باشد. در این حالت انتظار آحاد هم جامعه برای پیدا کردن شغل در بخش‌های مختلف دولتی اعم از دانشگاهی کاهش خواهد یافت و هم دولت دیگر نگران ایجاد مشاغل دولتی در بخش‌های مختلف شامل سیستم آموزش عالی نخواهد بود؛ زیرا بیشتر باید روی چگونگی فراهم‌سازی تسهیلات و زیرساخت‌های اشتغال پایدار همانند اکوسیستم نوآوری و نوآوری تمرکز کند.

البته در سایر نقاط جهان نیز اشتغال برای قشر تحصیل‌کرده، چالشی جدی محسوب می‌شود. ۹ دانشگاه برتر اروپا از حدود ۶ هزار فارغ‌التحصیل دکتری نظرسنجی کردند، نتیجه بسیار جالب بود؛ تنها ۷ درصد در حوزه استارت‌آپی و نوآورانه فعالیت داشته و بیشتر آن‌ها در بخش‌های دانشگاهی مشغول به کار شده‌اند. پیام پیمایش انجام شده این است که اگر می‌خواهید بر مبنای فناوری و نوآوری، ارزش‌آفرینی و ثروت‌آفرینی کنید، خیلی نیازمند فارغ‌التحصیلان دکتری نیستید. آن‌ها شاید بتوانند استادان دانشگاه و محققان خیلی خوبی باشند؛ ولی کارآفرینان خوبی نخواهند بود.

کشور ما نیاز به خوداشتغالی، کارآفرینی و نوآوری دارد. از طرف دیگر باید بدانیم افراد خلاق، خوداشتغال هستند. استراتژی کلان علم و فناوری ما نباید صرفاً بر اساس توسعه تحصیلات تکمیلی بنا شود؛ چرا که در نتیجه وزیر علوم و دیگر دست‌اندرکاران همواره باید نگران اشتغال و جایابی فارغ‌التحصیلان داخل و خارج از کشور در بازار کار باشند.

* روند جذب در دانشگاه‌ها را با رویه فعلی مثبت ارزیابی می‌کنید؟

وقتی یک هیئت علمی جذب سیستم آموزش عالی می‌شود یا باید به دانشجوی درس دهد یا مشغول تحقیق شود. با روند فعلی افزایش جمعیت متقاضیان جذب در سیستم آموزش عالی، سیستم برای ایجاد اشتغال در این بخش مجبور به افزایش کلاس‌های درس است یا باید بازار تحقیق را گسترش دهد که عملاً کار بسیار سختی است؛ بنابراین با توجه به وضعیت جاری کشور تعداد صندلی‌های اضافه در دانشگاه‌ها در عمل، رو به افزایش خواهد بود. اشتغال‌زایی در بخش آکادمیک با سبک و سیاق کنونی، دیر یا زود محکوم به شکست است. باید نیازهای مهارتی کشور را مدنظر داشته باشیم، بررسی کنیم و ببینیم چه مهارت‌هایی برای آینده کوتاه‌مدت و بلندمدت کشور مورد نیاز است.

۹ دانشگاه برتر اروپا از حدود ۶ هزار فارغ‌التحصیل دکتری نظرسنجی کردند، نتیجه بسیار جالب بود؛ تنها ۷ درصد در حوزه استارت‌آپی و نوآورانه فعالیت داشته و بیشتر آن‌ها در بخش‌های دانشگاهی مشغول به کار شده‌اند. پیام پیمایش انجام شده این است که اگر می‌خواهید بر مبنای فناوری و نوآوری، ارزش‌آفرینی و ثروت‌آفرینی کنید، خیلی نیازمند فارغ‌التحصیلان دکتری نیستید

* پس باید یک گام پیش‌تر از بازار کار را آسیب‌شناسی کرده و مشکلات مربوط به آن را حل کنیم. شما معتقدید سیستم آموزش عالی ما

دچار نقص در آموزش و تربیت نیروی کار است؟

باید بدانیم چه استادی را تربیت کنیم تا مهارت‌های لازم را به نیروهای ما آموزش دهد. اگر چنین سیستمی را پیاده‌سازی کنیم، زنجیروار عرضه و تقاضا برای تربیت نیروی انسانی و جذب استاد فراهم می‌شود. در ادامه صنعت ما ظرفیت انسانی عظیمی را مقابل خود می‌بیند که به علم روز دنیا مجهز است و در نتیجه زمینه اشتغال را برای آن‌ها فراهم می‌کند.

اکنون در کشور ما دانشجویها مجهز به علم روز نیستند؛ زیرا دانشگاه‌ها و استادان ما به علم روز دنیا تسلط ندارند. استاد و محیط دانشگاه دست به دست هم داده و یک نیروی فارغ‌التحصیل با مهارت کم و دانش و تجربه‌ای بی‌فایده تحویل بازار می‌دهند که اصلاً منطبق با نیاز روز دنیا نیست.

کشوری که می‌خواهد با دنیا رقابت کند، مجبور است با نیازهای روز جهانی همسو شود، در نتیجه نمی‌تواند فارغ‌التحصیلان بی‌مهارت را تربیت و یا جذب کند. ما به این پدیده، تله مهارت پایین می‌گوییم؛ به این معنا که هم دانشگاه و هم صنعت دست به دست هم داده و در تله‌ای می‌افتند که برخی افراد ناکارآمد و غیرمفید را برای کشور تربیت می‌کنند. ما برای برون‌رفت از این شرایط نیازمند تغییر راهبرد به‌ویژه در حوزه مهارت هستیم.

انتهای پیام /